از قبت و رواق در محل ایشان یعنی یهود در وقت پادشاهی بانقیری و نقیری بمضایقه دارند بهنگام تنگدستی درویشی پیداست که چه قدر تنگی دهند
ام یحسدون الناس بلکه حسد می برند بر مردمانی یعنی قبایل عرب علی ما آتاهم الله بانچه داده است خدای ایشانرا من فضله از فضل و کرم خود
که از بعثت پیغمبر از ایشان و انتقال نبوت از بنی اسرائیل به اولاد اسمعیل یا مراد از ناس اصحاب پیغمبر صلعم و فضل ایشان شرف صحبت آنحضرت و تعلیم و تعلم
یقینی یا شرف بودن در تفسیر کبیر آورده که مقصود از آفرینش خلق قیامت بعبودیه حضرت ربوبیت کما قال الله وما خلقت الجن والانس
الا لیعبدون و چون قایم بدین مقصود در آن زمان حضرت رسالت صلعم و متابعان او بودند پس گویا همه مردم ایشانند و غیر ایشان در صدد او
بیت آدمیت آنست که ایشان دارند بی تکلف دگران صورت بر دیوارند وگفته اند مراد از ناس است و عرب جمیع را بر واحدی اطلاق کنند
که جامع باشد آنقدر از خصال خیر را که جمع نشود الا در بسیاری از مردمان کقوله تعالی ان ابراهیم کان امة و برین تقدیر ناس محسود آن محبوب عاقبت
محمود است و مراد فضلی که حق سبحانه بر او ارزانی داشته نبوت باشد و کتاب و اعزاز دین و برخی برآنند که فضل اینجا آنست که خدای بروی مباح کرده
جمع میان نه زن از چهار زن و یهود برین حال حسد می بردند و طعنه میزدند که این مرد نگرید که چندان طعام ندارد که چاشت و شام از آن سیر شود
و پیوسته زنان میخواهد و همت بکار ایشان مصروف میسازد اگر او پیغمبر بودی از همه نبوت بکار زنان نپرداختی حضرت عزت میفرماید که حسد ایشان
بر پیغمبر بواسطه نبوت و کمال است پس باید که بر همه پیغمبران که صاحب کتاب اند حسد برند چه این صورت مخصوص بحضرت رسالت صلعم نیست فقد آتینا
پس بدرستی که ما عطا کرده ایم آل ابراهیم الکتاب اولاد ابراهیم را که اسلاف محمد اند صلعم چون توریة و انجیل و زبور والحکمة و علم حلال و حرام
نیز با ایشان داده ایم و در مفاتیح الغیب گوید کتاب اشارت بظاهر شریعت و حکمت عبارت از اسرار حقیقت و آتیناهم و داده ایم ایشانرا
وجود و نبوة ملکا عظیما پادشاهی بزرگ چنانچه یوسف و داود و سلیمان داشتند که جمع کردند میان سیاست دنیا و حمایت
دین گویند ملک عظیم کثرت ازواج است و بعضی را از آل ابراهیم چنانچه بصحت رسیده که داود را نود و نه زن بود و بزن اوریا که در عقد آورد تمام
شد و سلیمان را هزار زن بوده است سیصد تن از ایشان آزاد و باقی سرّیه درین سخن کنایتست بعتاب یهود که اگر حسد شما بر آنحضرت بواسطه
کثرت زوجاتست پس او و سلیمان بحسد سزاوارترند در تیسیر آورده که مراد از آل ابراهیم محمد است صلعم و کتاب قرآن و حکمت شرایع و ملک
عظیم با دوام شریعت اوست تا قیامت یا تایید شریعت در لطایف آورده که ملک عظیم معرفت ملکه قدیم است هر که او را شناخت
ملک دو جهان یافت و بقولی اطلاع است بر اسرار خلق و اشراف بر احوال ملک تا غایتی که بتعلیم الهی بر وجه چیزی مخفی نماند و شیخ ابی عثمان مغربی
قدس سره ازینجا گفت که هر که حق را اجابت کرد مملکت وی را اجابت کرد یعنی هرگاه در مملکت حادثه واقع گردد یا واقعه حادث شود او را
خبر دار سازند ابن البرقی که یکی از مشایخ مصر است و از بزرگان ایشان وقتی بمبارک شد شربتی برای او آوردند گفت نگاه دارید که در مملکت حادثه
افتاده بدین صورت وقوف نیابیم آب نخواهیم آشامید سه روز تشنگی کشیدیم تا معلوم شد که قرامطه در حرم کعبه خرابی کردند و خلقی انبوه
آوردند آنگاه آب خورد و هم در کشف الاسرار گوید که پای بر تضرع نهادن و هوا را در تحت قهر خود آوردن بزبان اهل اشارت ملک عظیم است
بیت پادشاهی نه آن میست که دشمن بکشی شاهی آنست که انفاس تو آرام شود فمنهم من آمن به پس از یهود کسی بود که ایمان آورد
آورد بحدیث آل ابراهیم یا بمحمد صلوات الله علیه ومنهم من صد عنه و بعضی از ایشان آن بود که اعراض کرد از خبر ایشان در باب

گرد از

نگرد از آن یا او این بود از کتابت یا از متابعت حضرت پیغمبر صلعم و گفته اند این آیه تسلیه حضرت رسالت است یعنی از آل ابراهیم کسی بود که بوی ایمان آورد
و کس بود که سرکشی نمود چنانچه گروهی ایشان سبب انطفاء نور نبوت او نشدند بلکه روز بروز چراغ صفا افروخته تر است پس گروهی معاندان تو
موجب نقص مهم و سبب شکست کار تو نخواهد شد ساعت بساعت علم معرفت و لوای دولت تو افروخته تر خواهد بود و کفی بجهنم سعیرا
و بسنده است دوزخ برای عذاب کاران آتشی افروخته یعنی اگر در دنیا عقوبت ایشان تاخیر افتد آنچه از عذاب جهنم برای ایشان آماده
کفایتست ای عزیز بعد از وعیدی که خاص بود بیهود بیان وعید عام میکند که شامل است مر یهود و نصاری و سایر کفار ان الذین کفروا بدرستی که آنان که
بپوشیدند حق را و نگرویدند بآیاتنا بدلایل وحدت من و معجزات پیغمبر و آیات کتاب من سوف نصلیهم زود باشد که در آریم ایشانرا
نارا در آتشی و چه آتشی کلما نضجت هرگاه که پخته شود و یا بسوزد جلودهم پوستهای ایشان بآتش بدلناهم بدل کنیم برای ایشان
جلودا غیرها پوستهای دیگر که پخته و سوخته نشده ابن عباس رضی فرموده که بدل کنند پوستهای سوخته سیاه را بپوستهای سفید که مانند
کاغذ بود و این تبدیل ساعت بساعت بود در معالم آورده که روزی این آیه را در مجلس فاروق خواندند قاری را گفت اعاده کن قاری دیگر باره
بخواند معاذ بن جبل حاضر بود از امیر فاروق با عاده آیه آن فهم کرد که تفسیر آن در مسند است گفت تفسیر این آیه نزد من هست بدل کنند
دوزخیان در ساعتی صد بار عمر فرمود که چنین شنیدم از رسول صلعم و از شیخ حسن بصری نقلست که هر شبانه روز هفتاد بار پوستهای دوزخیان
سوخته شود و تجدید یابند ای عزیز غلظ جلود کفار چهل ذرع باشد و ما بین مکتفین هر یک از دوزخیان بقدر مسیره سه شبانه روز که اگر بی تقطیع
کنند و تعظیم اجسام اهل آن جهته زیادتی عذابست و تبدیل جلود در سبیل تحقیق چنانست که احراق از جلود ببرند و بحالت اول باز آرند پس این
وصف است نه تبدیل عین و تجدید این جهالت احساس الم است اگر کسی گوید که حق تعالی قادر است بر آنکه ایشان از عذاب الام شدید بیشان
رساند بی احراق پوست به تبدیل حاجت نباشد در جواب توان گفت که بر فعل حکیم اعتراض روا نیست لا یسئل عما یفعل بلکه خدای تعالی قادر است
بر آن بی احوال ایشان در دوزخ انواع عقوبت بدیشان رساند و حال آنکه در دوزخ در می آورد و همگی خود میداند اگر سوال کنند که هر گاه جلود
عاصیه محترق شد اگر بجای آن جلود جدید آفرینند پس جلد غیر عاصی معذب گردد و این روا نیست و اگر همان پوستها باشد پس قید غیرها چیست
جواب همانست که مراد از مغیریه تغایر هیاتی است نه تبادل اصلی یا آنکه معذب انسانست و جلد جزوی است نه از ماهیت ایشان بلکه جزوی
ایدی برای دوزخ و در تیسیر گفته که جلود آلتست در ایصال عذاب بایشان پس معاقب ایشانند نه جلود و در موضح آورده که جلود عبارت از سرابیل است
و از جلود گفت بجهة التصاق آن با بدن پس هرگاه که سرابیل قطران در ایشان پوشانیده اند سوخته گردد سرابیل جدید در ایشان پوشند
لیذوقوا العذاب تا بچشند عذاب را دایم باشد چشیدن آن ماتریدی گفته که ذوق چشیدن باشد از طعام و شراب بود آلت چشیدن
آن دهن است و از عقوبت و عذاب بود آلت چشیدن آن جمیع بدن و ذوق بمعنی ادراک نیز آمده ان الله کان بدرستی که خدای بود
و هست و خواهد بود عزیزا که کسی ورا از تعذیب کفار منع نتواند کرد حکیما دانا بعقوبت دوزخیان بر وفق حکمت از ادخال جلود
جلود و آنچه کند کسی بدان اعتراض نرسد ع در فعل خدای ره ندارد چه و چون : بعد از بیان عذاب فجار ذکر نعیم ابرار میکند و میفرماید والذین
آمنوا و آنانکه گرویده اند بخدای و رسول وعملوا الصالحات و بجای آورده اند طاعتها وفق فرمان سندخلهم زود باشد که در آریم ایشانرا

Copyright © King Saud University